



علی رستگار
نویسنده فرهنگ و هنر

سینمای استراتژیک، به‌ویژه فیلم‌هایی با موضوع جریان مقاومت و مقابله با گروه‌های تکفیری و تروریستی، از دشوارترین عرصه‌ها برای فیلمسازی است. به‌جز انرژی و نیرویی که باید با حاشیه‌ها مقابله کند، رعایت

استانداردهای خود فیلم هم مقوله مهم دیگری است که فیلمساز باید توان آن را داشته باشد. متأسفانه یکی از مهم‌ترین ضرباتی که این نوع سینما در این سال‌ها خورده، گل‌درشت بودن مضامین و مفاهیم مطروحه است؛ کمتر پیش آمده قصه در

اولویت باشد و اگر هم داستانی بوده، غالباً زیر بار مفاهیم و موضوعات، مجالی برای بروز نداشته است. «قلب رقه» به نویسندگی و کارگردانی خیرا... تقیانی‌پور اما به مسیر نمونه‌های موفق جهانی می‌رود و بیش و پیش از هرچیز به قصه بها می‌دهد و همین روایت قصه‌ای قهرمان محور، جذاب، پرکشش و ماجراجویانه به برگ برنده فیلم تبدیل می‌شود. کیفیت و جذابیت فیلم باعث شده علاوه‌بر حضور در بخش نگاه نو (به خاطر تجربه اول فیلمسازی تقیانی‌پور در سینما) در بخش سودای سیرمغ هم حاضر و یکی از رقبیان جدی فیلم‌ها و فیلمسازان دیگر در بخش‌های مختلف باشد.

گفت‌وگو با نویسنده و کارگردان

حاج قاسم به‌تور

اگر کمک شهید سیدرضی موسوی نبوده

آن را نادیده بگیریم و از کنارش بگذریم. ضرورت دارد که در عرصه فیلم و سریال هم روایت‌هایی مرتبط با آن داشته باشیم و از زوایای مختلف به این موضوع ورود کنیم. نمی‌گوییم همیشه به این اتفاقات فکر کنیم و همه تمرکمان در روایت مسائل این چنینی باشد اما به هر حال این موضوعات هم در این دهه و به‌ویژه این چند

سال اخیر به بخشی از دغدغه و روزمرگی‌های ما تبدیل شده است و باید به آن توجه کرد. **[۹]** قالب مینی سریال هم از آن فرمت‌های جذاب و مختصر و مفیدی است که تلویزیون و پلتفرم‌های داخلی چندان به آن توجه نمی‌کنند. درحالی‌که قالب بسیار خوبی برای روایت‌های متعدد و جذاب است. ترور یکی از نخستین و مهم‌ترین گام‌های در این زمینه است تا در این فضا به سینما و تلویزیون جهان نزدیک شویم. چطور به این تعداد قسمت و فرمت مینی سریال برای روایت رسیدید؟ دوست نداشتید در

قالب یک فیلم سینمایی یا سریالی طولانی‌تر باشد؟
معتقدم تا هرجایی که قصه کشش داشته باشد، باید کار کرد. حالا قالب و ظرفیت یک قصه می‌تواند فیلم سینمایی باشد یا سریال تلویزیونی یا قسمت‌های طولانی یا مینی سریال. این‌که در صورت ظرفیت نداشتن روایت به یک سریال آب بیندید و تعداد قسمت‌های طولانی برای آن در نظر بگیرید، اول ظلم و اجفاف در حق خودتان به‌عنوان سازنده اثر است و بعد هم در حق بیننده. به همین دلیل بود که سریال «نحلا» را در فصل دوم تمام کردم و نخواستم در حق بیننده اجحاف کنم و مدام قصه‌های دیگری درباره شخصیت‌هایی بنویسیم که مقبول و محبوب مخاطبان شده‌اند. باید موقعیت جذابی برای ادامه سریال و روایت شخصیت‌ها وجود داشته باشد. درغیراین‌صورت ادامه آن کار درستی نیست. وقتی یک اثر نمایشی در هشت قسمت حق مطلب را درباره موضوع ادا می‌کند، چرا باید آن را در مثلاً ۲۰ یا ۹۰ قسمت بسازیم؟ ضربه‌ای که برخی سریال‌های ما در سال‌های اخیر خورده‌اند، به‌دلیل اصرار بر همین طولانی‌کردن بی‌دلیل مجموعه‌هاست. فقط چون نویسنده خواسته صفحات فیلمنامه را پر کند، این اتفاقات افتاده است. به نظرم ما باید سراغ تولید مینی سریال برویم و ورژن‌های کوتاه از یک موضوع و سریال بسازیم. اگر مخاطب استقبال کرد، می‌توان روی آن فکر کرد و به سریال‌هایی طولانی‌تر رسید. اگر نه هم حداقل این است که بیت‌المال هدر نرفته است و ما در حق خودمان و مخاطب جفا نکرده‌ایم.

[۹] قلب رقه به لحاظ ریتم، ماجراجویی و جذابیت، یک سروگردن از فیلم‌های مرتبط با جریان مقاومت و موضوعات مرتبط با تروریسم و گروه‌های تکفیری بالاتر قرار و مخاطب را هم در نظر می‌گیرد. مواردی که سینمای استراتژیک به‌شدت به آن نیاز دارد تا از کلیشه‌ها و نصایح کسالت‌بار فاصله بگیرد. چقدر فیلم‌های قبلی در این زمینه را دیدید و آسیب‌شناسی کردید؟
چطور به توازنی در انتقال مفاهیم و مضامین از رشتند و قصه‌ای جذاب و ملتهب رسیدید؟
مخاطب ابتدایه ساکن و اول از همه، قصه می‌خواهد. بنابراین مهم‌ترین چیز در تولید یک اثر نمایشی اعم از فیلم یا سریال، روایت قصه جذاب و پرکشش است. انتقال مضامین و حرف‌ها و اتخاذ استراتژی باید در مرحله بعدی اتفاق بیفتد. به نظرم در ب بسم... باید بگوییم آقای برادر! قصه خوب چه دارید؟ بعد براساس آن قصه، سراغ طرح مسائل و مفاهیم مورد نظر برویم. اگر شما قصه نداشته باشید، با بهترین امکانات و چهره‌ترین بازیگران هم کاری از پیش نمی‌برید و مخاطب با اثر شما همراه نمی‌شود. نمونه‌اش هم پروژه‌های آنچنانی که میلیارد‌ها تومان و دلار خرج کردند اما چون قصه نداشتند در مواجهه با مخاطب با شکست مواجه شدند و حتی تبلیغات و اکران‌های آنچنانی و حضور بازیگران کشورهای مختلف هم به کمک فیلم نیامد. وقتی قصه خوب ندارید، معلوم است این اتفاقات می‌افتد و راه به جایی نمی‌برید. در «نجات سرباز رایان» شما ابتدا با قصه‌ای جذاب و پرکشش روبه‌رو هستید. وقتی فیلمساز توانست با روایت این قصه، مخاطب را پای اثر بنشاند، می‌تواند

[۹] سینمای ترور و فیلم‌هایی با محوریت و موضوع تروریسم در سال‌های پس از انقلاب و در دهه‌های مختلف، فرازونشیب‌های زیادی داشته است. به جز دهه ملتهب ۶۰ که کم‌وبیش آثاری در این زمینه تولید شد، دهه ۷۰ به لحاظ کمی با افت تولید در این خصوص مواجه شدیم و بعد در دهه ۸۰ به جز یکی دو نمونه، هیچ خبری از سینمای ترور نبود اما در دهه ۹۰ و همین سال‌های آغاز ۱۴۰۰ دوباره این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. چقدر توجه دوباره و ضرورت پرداخت به موضوعات مرتبط با ترور در این زمانه اهمیت دارد؟

به هر حال ترور و اتفاقات تروریستی، بخشی از تاریخ معاصر کشور ماست و اگر جوانان نبودند و از کیان کشور ما دفاع و با این تروریسم مقابله نمی‌کردند، قطعاً سال‌ها دیگر این ماجرا بودیم. کم‌این‌که با وجود همه این تلاش‌ها و مجاهدت‌ها هنوز هم درگیر موضوع تروریسم هستیم و تفکر تروریستی وجود دارد و از آخرین صدمه و ضربه آن که در کرمان اتفاق افتاد، ۴۰ روز هم نگذشته است. یعنی اگر جوانان انقلابی و نیروهای مقاومت نبودند و از کشور دفاع نمی‌کردند، جامعه ما با فجایع تروریستی روبه‌رو می‌شد. بعد از این‌که نیروهای داعش و گروه‌های تکفیری چند کشور را اشغال و محل عملیات تروریستی خود قرار داده بودند، حالا کار به تفکر داعشی و تروریستی رسیده است. امیدوارم با هوشیاری مردم و ادامه مقابله و مقاومت جوانان و نیروهای انقلابی و مدافعان کشور، این تفکر هم هرچه زودتر از بین برود اما به هر حال نمی‌توان وجود این تفکر و جنایات تروریستی رخ داده در کشور در طول این سال‌ها را نادیده گرفت و همین، ضرورت توجه و پرداخت به این مسائل و موضوعات را در قالب آثار نمایشی ایجاد می‌کند. اینها بخشی از تاریخ کشور ما و مردم منطقه است.

[۹] سینمای استراتژیک در همه کشورها مهم و مطرح است و عمدتاً چهره‌های مهم فیلمسازی و بازیگری پای کار می‌آیند. به خصوص در هالیوود که نمونه‌های زیادی از فیلم و سریال‌های استراتژیک دارند اما چرا اینجا فعالیت در سینمای استراتژیک و منافع ملی گاهی با برچسب و دافعه‌ای همراه است؟ چطور می‌توان برای هنرمندان ایجاد انگیزه کرد تا در این زمینه کار کنند؟

من نمی‌دانم تعریف شما از سینمای استراتژیک چیست اما به جرات می‌توانم بگویم قلب رقه، حداقل به لحاظ تولیدی، در دسته آن آثار استراتژیک از نظر شما قرار نمی‌گیرد. ما برای تولید این فیلم خیلی سختی کشیدیم. اگر کمک شهید بزرگوار سیدرضی موسوی و نیروهای‌شان نبود، واقعا نمی‌توانستیم در سوریه کار کنیم و فیلم را بسازیم.

[۹] به نظر می‌رسد «قلب رقه» به لحاظ مضمونی و محتوایی، در امتداد و پیوستگی با سریال «ترور» است و جنبه دیگری از تروریسم را روایت می‌کند. خاصه آن بخش منطقه‌ای و بیرون‌مرزی را.

بله، عرض کردم این ماجرا وجود دارد و ما دیگر این تفکر و در حال مقابله با آن هستیم، چه در داخل کشور و چه خارج از مرزها و ما با پوست، گوشت و استخوان مان این تهدید را حس می‌کنیم. به طوری که این وقایع، بخشی از تاریخ اجتماعی کشور ما شده است. برای همین نمی‌توانیم



اگر کمک شهید بزرگوار سیدرضی موسوی و نیروهای‌شان نبود، واقعا نمی‌توانستیم در سوریه کار کنیم و فیلم را بسازیم

برش



درباره خیرا... تقیانی‌پور

تقیانی‌پور که از چهره‌های شناخته شده تئاتر و به‌ویژه تئاتر دفاع مقدس است از سال ۱۳۹۹ و با ساخت سریال نحلا به چهره‌ای شناخته شده برای مخاطبان تلویزیون نیز تبدیل شد؛ سریالی که در ماه رمضان سال ۱۴۰۰ روی آنتن رفت و فصل دوم آن نیز در نوروز و ماه رمضان سال ۱۴۰۱ پخش شد. البته او پیش از این سریال، دو فیلم «تونل» و «اینجا خانه من است» را نیز ساخته بود که هر دو در دایره فیلم‌های

دفاع مقدس می‌گنجد. پس از پایان فصل دوم نحلا که با تغییر بازیگر نقش اول آن محیا دهقانی به جای سارا رسول‌زاده همراه شده بود، برخی رسانه‌ها از احتمال ساخت فصل سوم نیز خبر دادند. با این حال تقیانی‌پور در گفت‌وگویی این موضوع را تلویحاً رد کرده و گفته بود: «حقیقتش این است که ما در زمان ساخت نحلا فیلمنامه را طوری نوشته بودیم که قصه در قسمت آخر تمام شود و هیچ برنامه‌ای برای ساخت فصل دوم یا ادامه داستان نحلا نداشتیم. اما درباره این‌که یک سریال فصل‌های بعدی داشته باشد یا خیر، کارگردان و تهیه‌کننده خیلی تصمیم‌گیر نیست و این مدیریت است که تصمیم می‌گیرد سریال ادامه پیدا کند یا خیر.»